

م. ر. مقتدر

«چهارتاقی»

شکلی مداوم در معماری ایرانی

در تاریخ معماری جهان به شکل هایی برمی خوریم که بیش از عناصر دیگر و نیز در زمانی طولانی در ساختمان ابنیه ها به کار گرفته شده اند. طرح «چهارتاقی»، یکی از سبک های خاص ایرانی در زمره این اشکال است که نه تنها در معماری سرزمین پهناور ایران و در ادوار مختلف به نمونه های زیادی از آن برمی خوریم بلکه در معماری بسیاری از همسایگان نیز تأثیری طولانی به جای می گذارد.

تاریخ پوشش های قوسی و تاقی مشرق زمین با مدارك باستانشناسی به هزاره سوم قبل از میلاد می رسد. در ویرانه تمدن های بین النهرین و مصر و بالاخره شوش به انواع این پوشش ها برمی خوریم که با دانش سازندگی بنا شده و نشانی است از اینکه دنیای شرق به علت شرایط اقلیمی اش پیش از جهان غرب مبتکر قوس و تاق است.

در ایران باستان به علت دارا بودن مناطق مختلف جغرافیائی دو نوع پوشش همزمان در ساختمان به کار می رفت، یکی سقف های افقی با کسک تیرهای چوبی و ستون های قائم

پژوهش در فرهنگ باستانی و شناخت اوستا، سومین همایش، به کوشش م. میرشاهی، انجمن رودکی، پاریس، مهرماه ۱۳۷۷.

که بارهای وارده را به طریق «خمش» تحمل می‌کرد و بیشتر مختص مناطقی بود که دارای چوب بوده و یا اینکه در معماری عالی حکومتی چوب را از نقاط دوردست به کارگاه حمل می‌کردند. مانند مجموعه قصرهای بازارگاد، شوش و تخت جمشید. در این نوع ساختمان چون چوب امکان پوشش فواصل زیادی را نمی‌داد، ایجاد ستون‌های نزدیک به هم ضروری بوده و این خود محدودیتی را برای آزادی فضای داخل ایجاد می‌کرد.

نوع دیگر پوشش، شیوه‌های قوسی، گهواره‌ای و یا گنبدی است که در آن فضای داخلی آزاد بوده و نیازی به ردیف ستون‌های حامل نیست. در فرم‌های قوسی انتقال نیروی وزن و سایر نیروها با مکانیسم «غشائی» انجام می‌گیرد و به این ترتیب به راه حل اول ارجح است. وجود تاق‌های متعدد قوسی در معبد عیلامی «چغازنبیل» متعلق به سیزده قرن قبل از میلاد و نیز تاق‌های قوسی «نوشی‌جان» در لرستان (قرن هشتم ق. م.) و یا در حصار تخت جمشید در کوه رحمت حکایت از پیشرفت پوشش‌های قوسی در این مناطق ایران است.

در مورد «چهارتاق» بخصوص وجود آثاری مانند مجموعه کوه خواجه در سیستان با زه هور در خراسان نزدیک ریاط سفید، و قصری در دامغان در شرق و تعداد زیادی از این شیوه ساختمان به صورت آتشکده، آتشگاه و قصر در مغرب ایران خود شاهدهی است از اینکه ساکنین این سرزمین از گذشته‌ای دور با این تکنیک آشنا بوده‌اند. اکثر منقذین و مورخین معماری مانند: هرتسفلد و گذار معتقدند که این نوع معماری بومی نواحی خشک و مرکزی ایران، با وجود سادگی در انتخاب مصالح به آسانی جانشین معماری با عظمت دوران هخامنشی را پذیرا شد.

اصطلاح «چهارتاقی» به بنائی چهارگوش اطلاق می‌شود که روی چهارپایه کنج آن چهار قوس قرار گرفته و گنبدی آن را می‌پوشاند. دونالد ویلبر معتقد است که این نام از دوره اسلام به این شیوه ساختمان داده شده است. قرار دادن گنبد دورانی بر روی پایه چهار بر یکی از ابداعات مهندسی است که معماران ایرانی با ساختن قوس‌های کوچکی در چهارگوشه ساختمان و تبدیل مربع به هشت ضلعی، پایه گنبد را به دایره نزدیک می‌کنند تا بتوان به آسانی با شیوه گره‌چینی پوشش گنبد را روی آن بنا نهاد. این چهارنیم مخروط را که روی کنج‌های بنا به پا می‌کنند، گوشوار یا شکنج می‌گویند. «ع. زمانی» برای توصیف گوشوار می‌نویسد: «... در هر یک از چهارگوشه تالار نیم هرمی را پایه‌گذاری می‌کند که بتدریج ارتفاع گرفته و در فضای داخل تالار جلو می‌آید، هنگامی که هر یک از

دو صفحه تا يك چهارم ضلع دیوار پیش برود و نیم مخروطی به وجود می آید که قاعده مقطع آن یکی از اضلاع هشت بر منظم را تشکیل می دهد. پس از اتمام چهار گوشوار معمار چهار دیوار بین گوشوارها را با تمایل ملایمی به داخل بنا بالا می برد و وقتی ارتفاع آنها به رأس گوشوارها رسید هر کدام شکل ذوزنقه ای به خود می گیرد و به این ترتیب پای گنبد مدور آماده می شود. (تصویر ۱)

گوشوار در طی زمان بتدریج جنبه تزئین پیدا کرده و در معماری ایران اسلامی به درجه کمال می رسد. در مورد گنبدهائی که با این شیوه می شود. «م. قرشاد» می گوید: «شکل هندسی گنبد دارای این ویژگی است که کمترین تنش کششی در آن به وجود می آید و بنابراین ساختن گنبد با مصالح بنائی مانند خشت، آجر و سنگ که تحمل نیروهای خمشی را ندارند کاملاً امکان پذیر بوده و کاربرد و توسعه آنها در تاریخ مهندسی ایران نشانگر درك مکانیکی سازندگی ایرانی و آگاهی به ارزش بالای شکل مکانیکی گنبد است.» گنبدهای ایرانی بدون الگوی چوبین ساخته می شود، معمار تنها با نصب يك تیر عمودی در محور ساختمان و تعیین دو کانون به وسیله زنجیر و یا ریمان رگ های خشت، آجر و یا سنگ را به طو دورانی روی هم بنا می کند. این وسیله ساده کنترل قوس گنبد را «شبهانگ و هنجار» می نامند.

شیوه «چهارتاقی» در ادوار پس از اسلام نیز با همان روش معماری ساسانی برای بپا کردن مساجد، اماکن مقدس و نیز در ساختمان های عامی به کار گرفته شد و از طرفی پوشش های قوسی گنبدی ایرانی در معماری بیزانس نیز به صورت يك شیوه شرقی بتدریج با اصول معماری رومی آمیخته شد. «آندره گذار» در تائید تداوم در معماری ایرانی می نویسد: «... وقتی می گوئیم معماری هخامنشی، اشکانی، ساسانی، سلجوقی، مغول، مظفری، تیموری، صفوی و غیره همگی عناوینی است که جملگی در تاریخ معماری ایران می گنجد.»

در مورد آتشکده های چهارتاقی ساسانی «وان دن برك» معتقد است که حجم آنها بیش از هر بنای دیگری هم از نظر سادگی هم از دید علمی و هنری توجه را به خود جلب می کند و آتشکده «تخت نشین» فیروزآباد را قدیمی ترین و مهم ترین نمونه چهارتاقی دوران ساسانی می داند. (تصویر ۲) این آتشکده در زمان اردشیر (۲۴۱-۲۲۴) بنا شده و قطر پوشش گنبدی آن ۱۴/۶۰ متر و ارتفاع آن از کف ۲۲ متر است. آتش مقدس مانند

آتشکده های مشابه در مرکز آن نگاهداری می شد و اطراف چهارتاقی را راهروها و اطاق های جانبی دربر می گرفته است. تناسبات فضای داخلی آن به ابعاد کوچکتری به بنای بیشاپور که معروف به قصر شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) است شباهت دارد (تصویر ۳) به همین دلیل وی با دلایل مختلفی احتمال می دهد که تالار بنای بیشاپور آتشکده بزرگ شاپور بوده است. و احتمال دارد که به همین ترتیب بنای قصر دامغان و نیز چال طرخان که به عنوان قصور یاد شده اند در اصل آتشکده های چهارتاقی بوده اند؟

«آرتور کریستن سن» نیز این نظر را تأیید می کند که اطراف همه آتشکده ها را اینبه و احتمالاً باغ هایی احاطه کرده بود و فضائی که آتش مقدس را در میان گرفته بود همیشه محصور بوده است. شاهد این فرضیه وضع کنونی آتشکده های زرتشتی است که آتش در اطاق بسته ای که تنها موبدان به آن راه دارند نگاه داری می شود. این نظریه با تقسیم بندی انواع چهارتاقی توسط ماکسیر سیرو و اندره گدار مغایرت دارد.

در بناهای آجری «کوه خواجه» که قدمت آن به دوران اشکانی می رسد، هرتسفلد آتشکده ای چهارتاقی یافت که به وسیله راهروهائی محصور شده و شباهت کاملی به آتشکده تخت سلیمان در آذربایجان دارد. آتشکده اخیر متعلق به دوران خسرو اول انوشیروان (۵۲۹-۵۳۱) بوده و قطر چهارتاقی آن هشت متر است که روی پایه های ضخیمی به ابعاد ۴ متر می نشیند. (تصویر ۴)

آتشکده های ساسانی هر کدام آتش مقدس بخصوصی را حفاظت می کرده اند، چنانچه در تخت سلیمان آتش مقدس «بهرام آذرگشنسب» آتش پادشاهان و جنگجویان و در خراسان آتش «فرنبغ» مختص روحانیون و در فارس آتش «بورزن مهر» مختص کشاورزان و دهبانان بوده است - محل دو آتشکده اخیر تا کنون به دست نیامده است. آتشکده آذربایجان در زمان خسرو اول و خسرو دوم پرویز (۶۲۸-۵۹۱) اهمیت خاصی پیدا می کند و چون محل زیارت و نیایش خانواده سلطنتی بوده است ملحقات بسیاری برای مراسم و حتی اقامت به مجموعه آن اضافه می شود. در بناهای قصر شیرین متعلق به دوره همین پادشاه به ساختمان مربعی برمی خوریم که آن را «چهارقاپو» (چهار دروازه) می نامند که ابعاد داخلی آن ۱۶/۵ متر بوده و احتمالاً آخرین آتشکده ساسانی است.

در راه ری به شیروان نیز آتشکده ای وجود داشت که به علت خرابی، بنا به گفته «مسعودی» به فرمان انوشیروان در جنوب غربی ری در محلی به نام «تپه میل» آتشکده

نوبنی بنامی که امروز بقایائی آن را می بینیم. این آتشکده بعد از آتشکده های مهم که در بالا ذکر شد اهمیت بخصوصی داشته زیرا ری در دوران قبل از اسلام پایگاه مغان و یکی از مراکز دینی زرتشتیان بوده است. در تاریخ طبری چنین می آید که پس از فتح ری توسط مسلمانان در ۶۵۰ میلادی: «... آنجا به ری آتشگاهی بود. یزدگرد آذر آن را برگرفت و به خراسان رفت، به نیشابور و از آنجا به مرو شد و آتش آنجا به نماد و ایمن بنشست.»

در نزدیکی کاشان چهار تاقی «نیاسر»، آتشکده ای است که به روایت کتاب تاریخ نام به اردهشیر بابکان نسبت می دهند. «آندره گذار» چهارتاقی مزبور را در زمره آتشکده های «بازه» می شمارد که از آنها برای فرستادن خبر از راه دور نیز استفاده می شده است. در حالیکه «وان وین برگ» و عده ای با این نظر مخالفند و معتقدند که آتشکده همیشه محصور بوده و در طول زمان اینه اطراف آن از بین رفته است. آتشکده نیاسر مانند اغلب آتشکده ها که در مجاورت چشمه و یا دریاچه آبی بنا شده اند در کنار چشمه نیاسر یا اسکندریه ساخته شده است (تصویر ۵). در جنوب شرقی کاشان در کنار آبادی خرم دشت چهارتاقی دیگری نیز به نام «آذران» وجود دارد که آثار قابل توجهی از آن به جا نمانده است. آتشکده های نظنز، تورنگ تپه، کازرون، فراش بند، زهرشیر، آتشکوه، بوزو، خیرآباد، بهبهان، جیره و شریف آباد نیز در زمره چهارتاقی های شناخته شده اند.

در معماری قصرهای اشکانی و بخصوص ساسانی نیز به شیوه چهارتاق برمی خوریم که شروع آن احتمالاً از بنای کوه خواجه است. در قصر فیروزآباد ردیفی از سه تالار با این شیوه از سنگ پوشانیده شده (تصویر ۶) و قطر گنبد هر کدام ۱۳/۴۰ متر است. این کاخ که توسط اردشیر بابکان پیش از دوران پادشاهیش بنا گردیده احتمالاً قدیمی ترین بنای ساسانی است. کمی دورتر از این کاخ قلعه اردشیر معروف به «قلعه دختر» به صورت قلعه ای دفاعی روی ارتفاعات صخره ای که به رودخانه بورازه و دشت فیروزآباد مسلط است بنا شده است. تاریخ ساختمان آن احتمالاً چند سالی پس از کاخ اردشیر است. در داخل این قلعه نیز گنبدی سنگی به قطر حدود ۱۵ متر یا همان شیوه پوشش و در آن ظرافت بیشتری به کار رفته است.

تالار مرکزی کاخ سرهستان که در زمان پادشاهی بهرام گور (۴۳۸-۴۲۰ م) بنا شده است تالار مربعی است که گنبدی به قطر ۱۲/۸ متر با شیوه چهارتاقی دلی این بار از آجر پخته روی آن قرار گرفته است (تصویر ۷).

آندره گذار می نویسد با وجودی که در گنبد اخیر پیشرفتی نسبت به گنبد های قبلی

دیده می شود معهذ چهارتاقی واقعی همانند چهارتاقی آتشکده ها که تنها روی چهارستون باشد و چهاردروازه باز داشته باشد در کاخ دامغان دیده می شود که تاریخ بنای آن از دیگر گنبدهای کاخ متأخرتر است.

حمله اعراب و رسوخ دین اسلام در سرزمین ایران از نبرد قادسیه تا فتح بلخ حدود ۲۵ سال به طول انجامید و با اینکه اعتقادات دینی ایرانیان دستخوش تغییرات مهمی گردید معهذ به اتکا اصل یکتاپرستی در هر دو مذهب شیوه های معماری راه خود را دنبال کرده و فضای يك آتشکده که به منظور نیایش اهورامزدا به پا شده بود، به آسانی برای پرستش خداوند یکتا آماده شد. اکبر تجوییدی می نویسد: «بسیاری از آتشکده های عهد ساسانی در همان روزهای اول گسترش اسلام به صورت مسجد درآمدند و چهارتاقی اولیه و تالار مسجد را تشکیل داد. تنها تغییری که در این ساختمان ها به وجود آمد آن بود که یکی از دهانه های چهارگانه که با سمت قبله سازگار می نمود به وسیله دیواری مسدود گشت و در درون آن مهرابی تعبیه شد... زنده ترین نمونه يك آتشکده چهارتاقی ساسانی که به مسجد تبدیل شده است را می توان در ایزدخواست به وضوح مشاهده کرد.» ماکسیم سیرو نیز تحت عنوان «مسجد جامع ایزدخواست» گزارش جامعی در سال ۱۹۴۵ م در مورد چهارتاقی ایزدخواست که روی ارتفاعات به همین نام بین اصفهان و شیراز قرار گرفته منتشر نموده است. (تصویر ۸) وی معتقد است که این بنا نخستین چهارتاق شناخته شده ساسانی است که به مسجد تبدیل شده است. مساجد جمعه کوهپایه و قهپی دو نمونه دیگر از این چهارتاقی هاست. بازرسی معماری ایران اسلامی به وجود عوامل معماری سنتی ساسانی پی می بریم. مسجد «تاری خانه» دامغان (نیمه دوم قرن هشتم م.) و مسجد جامع فهرج (نیمه اول قرن هشتم) دو نمونه درخشان از این تداوم است. در مورد پوشش های گنبدی بعد از اسلام به مرور به ارتفاع گنبدها اضافه شده و بر روی چهار گوشوار بنای مربع ابتدا يك هشت ضلعی قرار می گیرد و روی آن مجدداً منشور شانزده ضلعی قرار گرفته تا پایه دایره گنبد را تشکیل دهد. در حقیقت به این ترتیب آنچه را که ساسانیان از اشکانیان به ارث بردند به ایران اسلامی منتقل گردید و معماری ایرانی، در قرون بعدی به تدریج از ظرافت، تزئینات و تازه گی های بیشتری بهره مند شد.

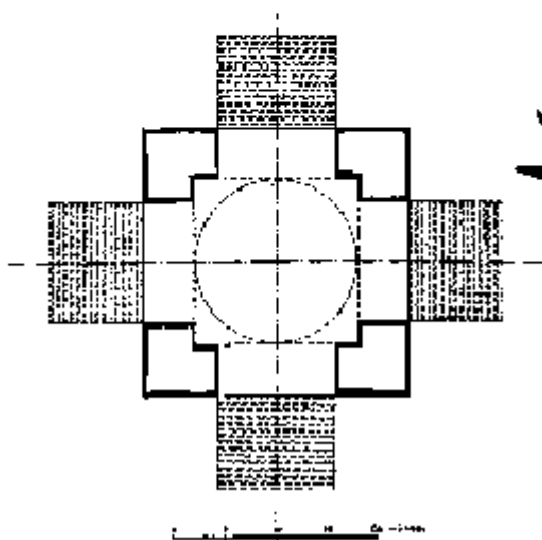
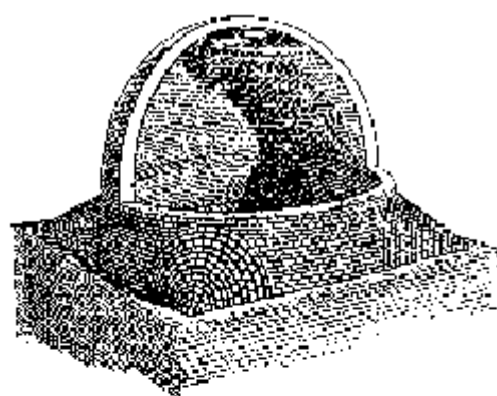
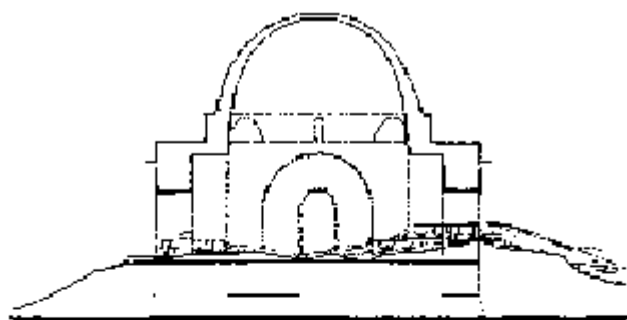
یکی از اولین آثاری که از همه نظر به شیوه چهارتاقی ساسانی بناشد، و نشانگر تداوم این شکل در معماری ایران است آرامگاه شاه اسمعیل سامانی در بخارا است. (تصویر ۹) سبک این بنا که در سال ۹۰۷ میلادی ساخته شده است الهام دهنده بسیاری از بناهای

بادبود با آرامگاه دوران اسلامی جهان ایرانی است.

گنبد تاج الملك معروف به گنبد خاکی در سمت شمال و نیز گنبد نظام الملك در سمت جنوب مسجد جامع اصفهان متعلق به قرن یازدهم میلادی از دوران سلجوقی هم متأثر از چهار تاقی سنتی است. (تصویر ۱۰) نمونه های دیگری از «خاطره» چهارتاقی ایران باستان را در مدرسه حیدریه قزوین (تصویر ۱۱)، مساجد جمعه اردستان (تصویر ۱۲)، گلپایگان (تصویر ۱۳)، بارسیان، بروجرد و مساجد جامع زواره، ساوه، ورامین، کاشان، امامزاده جعفر قم و بالاخره مسجد کبود تبریز می یابیم. این مساجد در ادوار مختلف، حتی تعدادی از آنها تا قرن نوزدهم توسعه یافته و به صورت مساجد چهار ایوانه درآمده اند ولی عنصر اصلی و «قلب» آنها همان شکل چهارتاقی سنتی است.

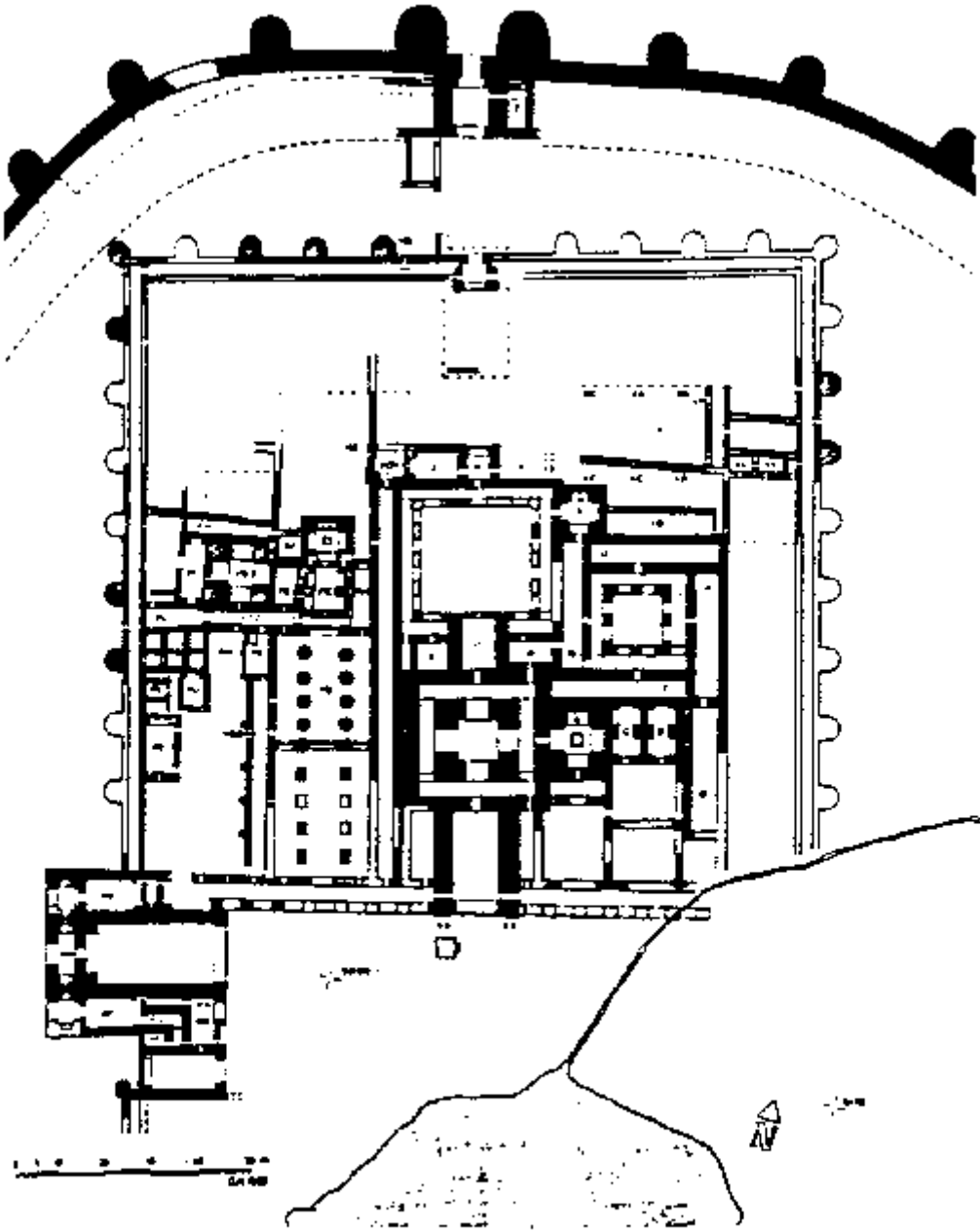
مسجد مصلاي عتيق یزد (تصویر ۱۴) تنها مسجدی است که چهارتاقی آن شکل آتشکده را دقیقاً حفظ کرده و به طور مجزا از بناهای اطراف در میان حباط مسجد قرار گرفته است. این بنا از چهار طرف باز بوده و به این ترتیب فاقد محراب است. تداوم اشکال مختلف چهارتاقی با گذشت قرن ها نه تنها در معماری بومی و روستایی امروز ایران به چشم می خورد بلکه هنوز شکلی الهام دهنده برای معماران ایرانی است.

- 1- Besenval, R., Technologie de la voute dans l'orient ancien, Ed. Recherche sur les civilisation, Paris.
- 2- Pope, A.U., Persian Architecture, Thames-Husoon, London, 1965.
- ۳- پیرلیا، لک. ارمنغان های ایران به جهان، معماری ایران، جلد دوم، خروشه، ۱۳۶۳.
- ۴- تجویدی، آ، تلاوم در معماری ایران، مجله هنر و مردم، شماره ۱۱۱، ۱۳۵۰.
- ۵- تنوی نژاد دلیلی، م.، معماری و شهرسازی و شهرنشینی در ایران، نشر تاریخ و فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۶۳.
- ۶- دوری، کازل، جی، هنر اسلامی ترجمه رضا بصیری، انتشارات فرهنگ سرا، ۱۳۶۳.
- 7- Reuther, O., Sassanian Architectur, A survey of Persian Art, Vol. III, Copyright, E. J. Manafzadeh, Iran, 1964.
- ۸- زمانی، ع.، گوشوار تزئینی در آثار اسلامی ایران، کتاب معماری ایران، جلد دوم، خروشه، ۱۳۶۳.
- ۹- سبزو، م.، تطور مساجد روستایی در اصفهان، ترجمه کرامت الله افسر، مجله اثر، شماره ۱، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۵۹.
- 10- Schroeder, E., Standing monuments of the first period, A survey of Persian art, Vol. III, Copyright, E.J. Manafzadeh, Iran, 1964.
- ۱۱- طبری، محمدبن حریر، تاریخ طبری، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۵۲.
- ۱۲- فرشاه، م.، تاریخ مهنسی یاران، انتشارات گومش، تهران، ۱۳۶۲.
- 13- Flanden, E., Coste, P., Voyage en Perse ancienne, Paris, 1۸۴۰-1۹۴۱.
- ۱۴- قمی، حسن بن محمدبن حسن، تاریخ قم، ترجمه فارسی به تصحیح ج. تهرانی، توسن، تهران، ۱۳۶۱.
- ۱۵- کریستان سن، آ.، ایران در زمان سامانیان، ترجمه رشیدیاسمی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۶- کریمان، ح.، ری باستان، جلد دوم، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۴۹.
- 17- Godard, A., L'art d'Iran, Arthaud, Paris, 1962.
- 18- Godard, A., Athar-e Iran, T. III, Geuthner, Paris, 1936.
- 19- Ghirshman, R., L'Iran des l'origine à l'Islam, Payot, Paris, 1951.
- 20- Ghirshman, R., Parthes et Sassanides, Gallimard, Paris, 1962.
- ۲۱- لطفی زاده، ش. شیوه خراسانی مجله اثر ۱، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، تهران، ۱۳۵۹.
- 22- Matheson, S.A., Persian an archeologicae guide, Faber, London-Boston, 1970.
- ۲۲- سعودی، ابرالحسن علی بن حسین، مروج الذهب... ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۴۴.
- ۲۴- مصطفوی، م. ت.، نگاهی به هنر معماری ایران، تهران، ۱۳۴۶.
- ۲۵- هرتسفلد، ا. تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستانشناسی، ترجمه علی اصغر حکمت، انجمن آثار ملی، تهران ۱۳۵۴.
- 26- Huff, D., Splendeurs des Sassanides, Musée Royanx d'art et d'histoire, 1993.
- 27- Vanden Bergh, L., Archeologie de l'Iran ancien, Leiden, 1959.
- ۲۸- ویلبر، د. ن.، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانیان، ترجمه ع. فریار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۶.



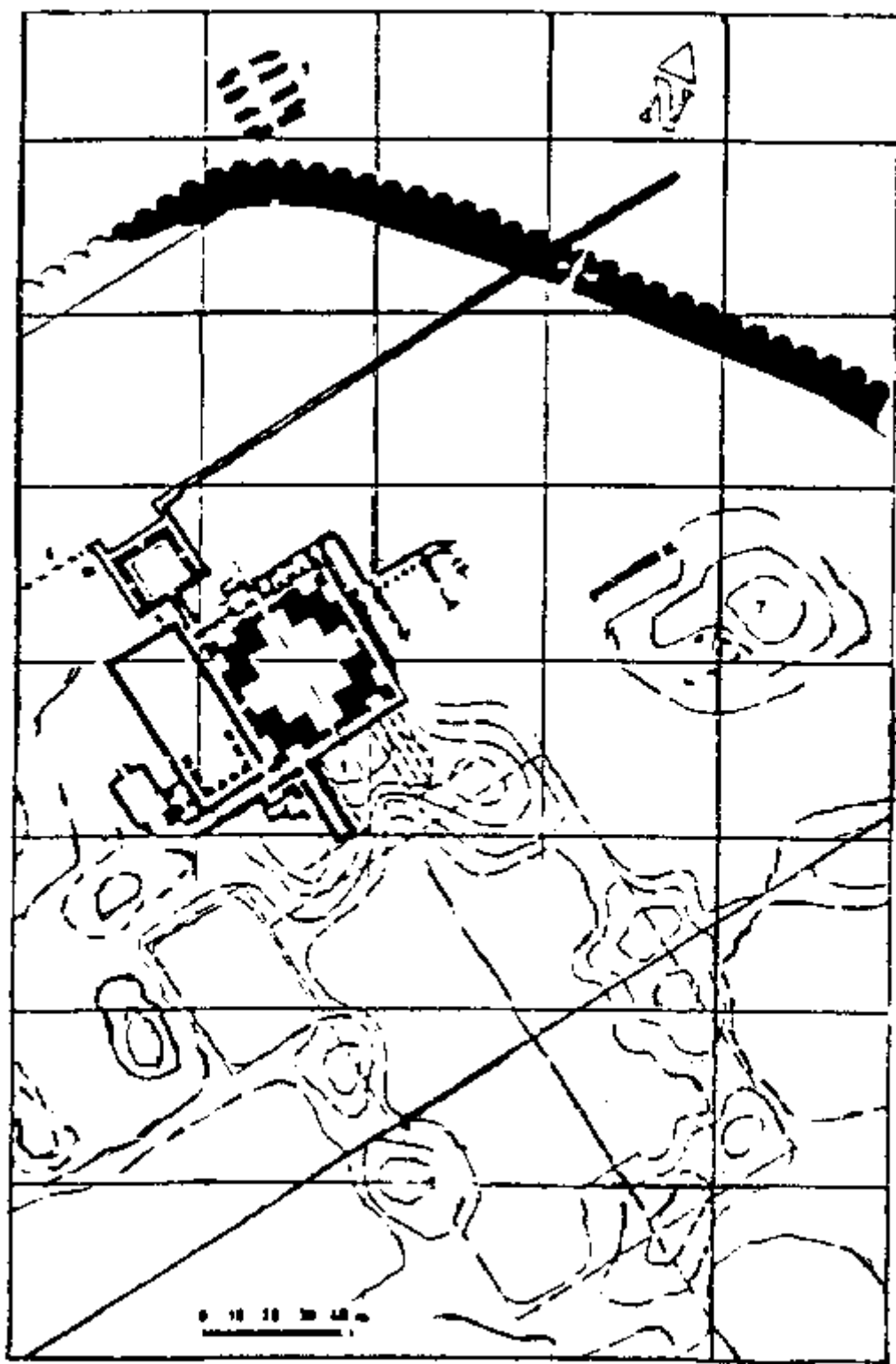
تصویر ۱- پوشش چهارگانه، گنبد ابراتی با گوشواره.
تصویر ۲- فیروز آباد، تخت شاهی، آتشکده اردشیر اول، برش و پلان، قرن سوم.



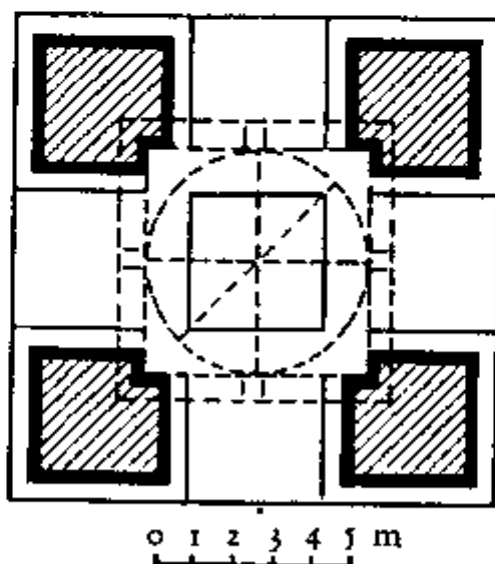
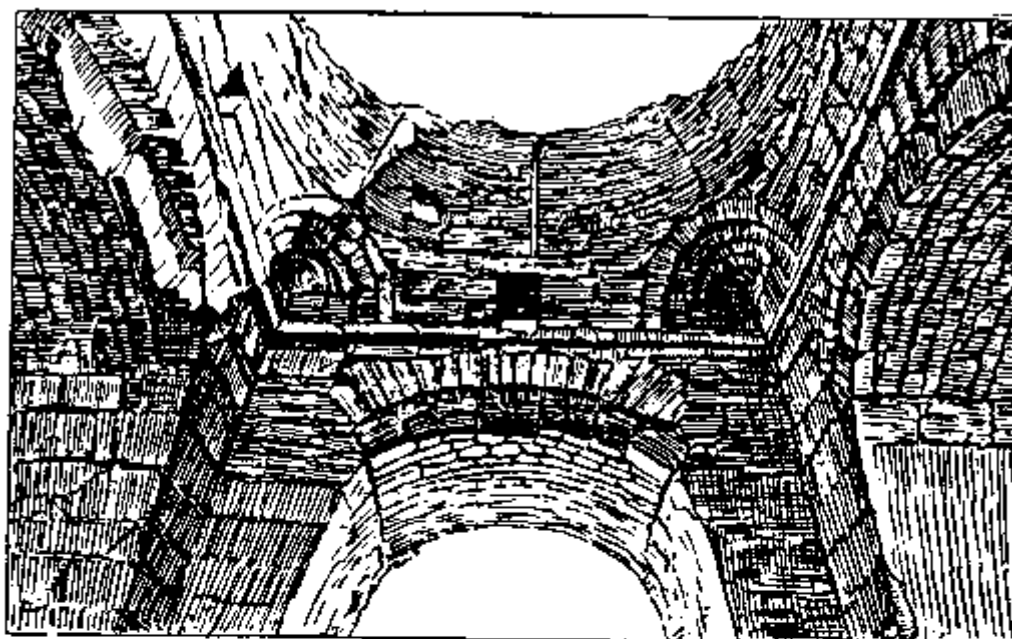


تصویر ۳- بيشاپور، کاخ شاپور اول و آتشکده، قرن سوم م.

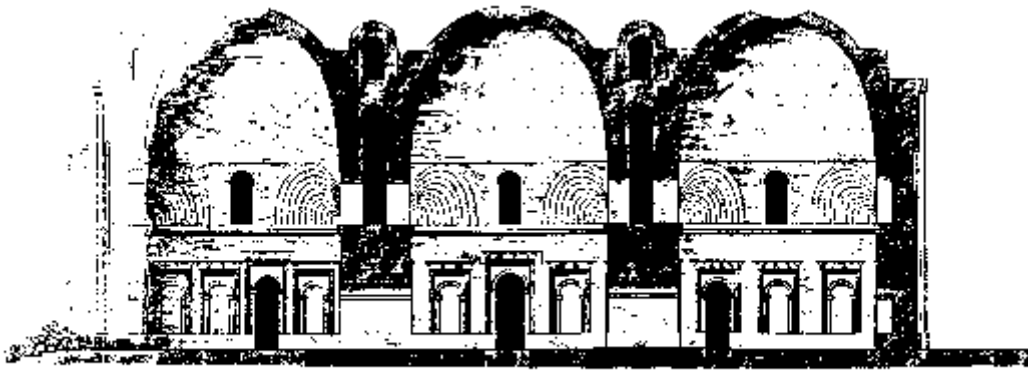




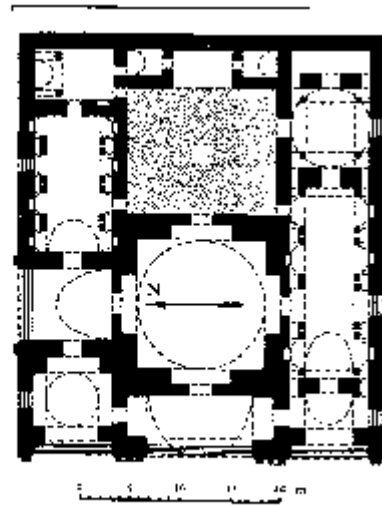
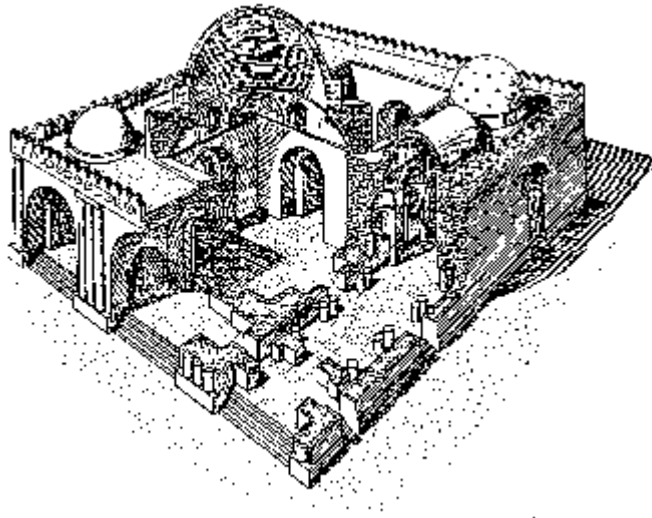
تصویر ۴- تخت سلیمان (آذربایجان) مجموعه بناها و آتشکده قرن ششم، م.



تصویر ۵- نیاسر، آتشکده (بلان و پرسپکتیو داخل بنا)، قرن دوم، م.ق.

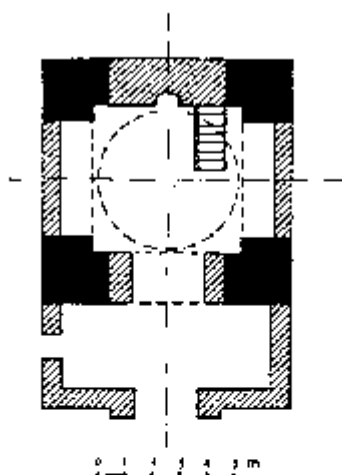
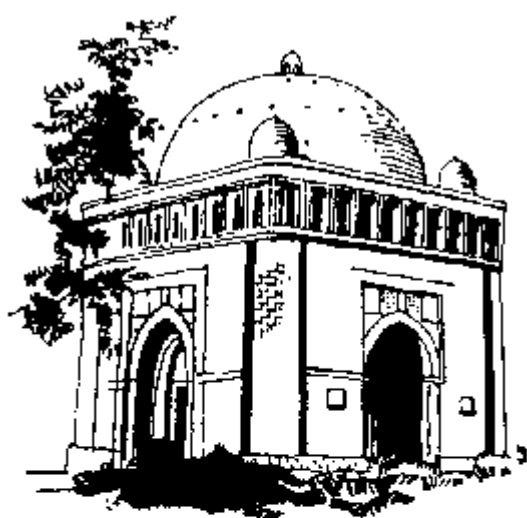


تصویر ۶- فیروزآباد، کاخ اردشیر اول، قرن سیزدهم.



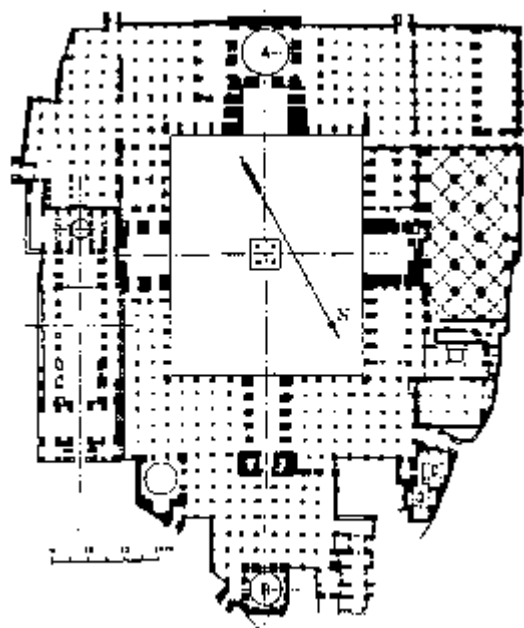
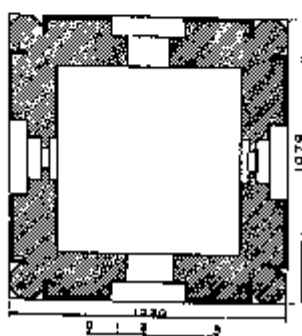
تصویر ۷- سروستان، کاخ بهرام گور، قرن پنجمم.



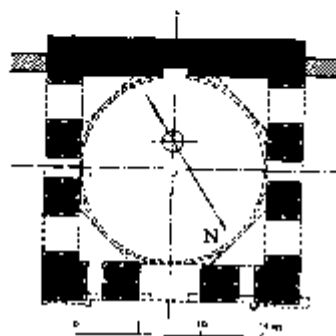


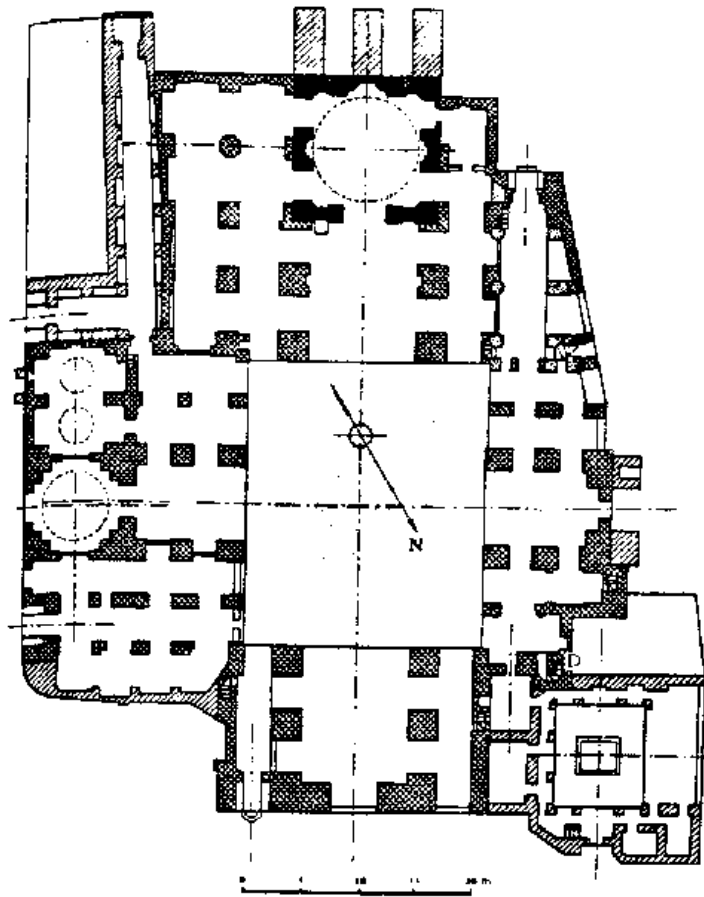
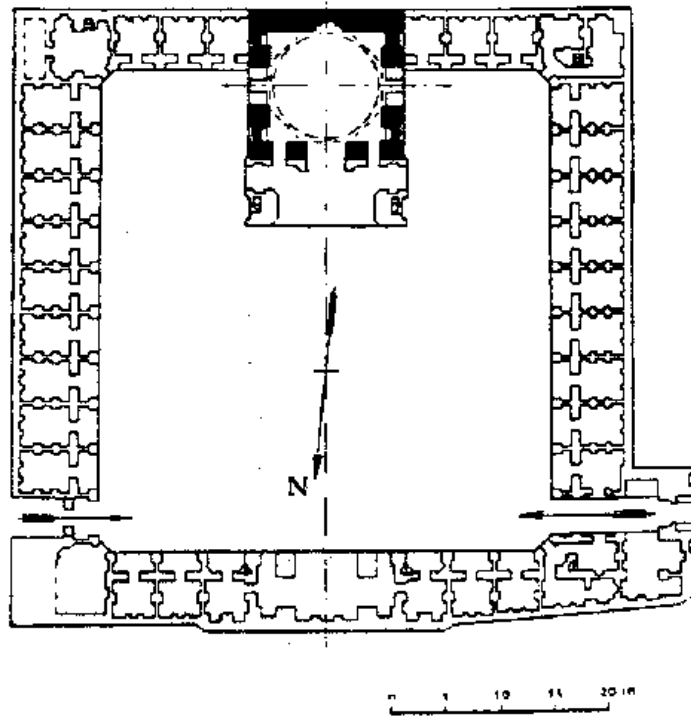
تصویر ۸- ایزدخواست، چهارمحالی دانشکده، مسجد.

تصویر ۹- بخارا، آرامگاه شاه اسمعیل سامانی (پرسپکتیو)، ابتدای قرن دهم. بخارا، آرامگاه شاه اسمعیل سامانی (پلان).



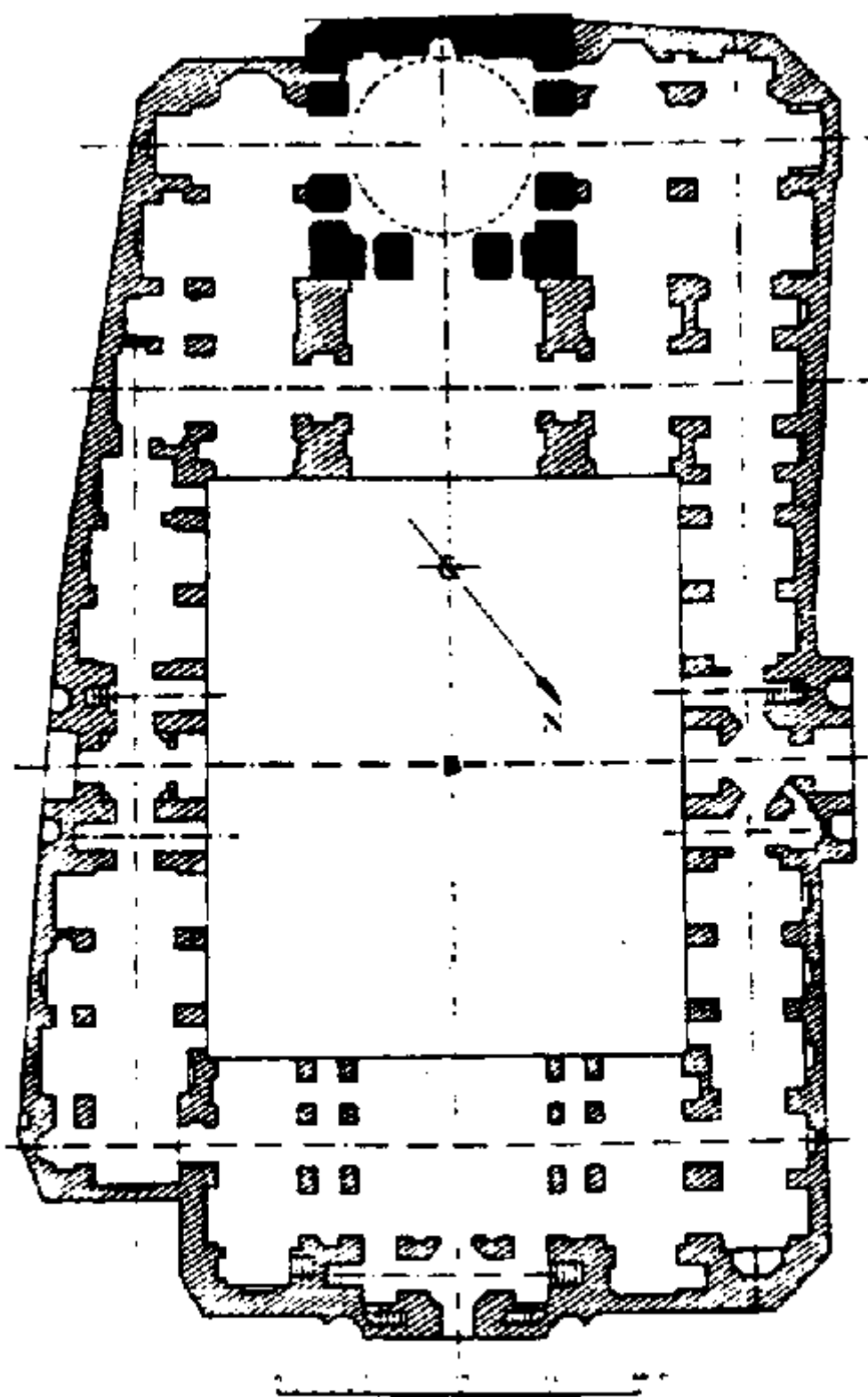
تصویر ۱۰- اصفهان مسجد حمزه، گنبد نظام السلطه، قرن ۱۱م. گنبد ساج السلطه (گنبدخاکی)، قرن ۱۱م، گنبد نظام السلطه (دهای)



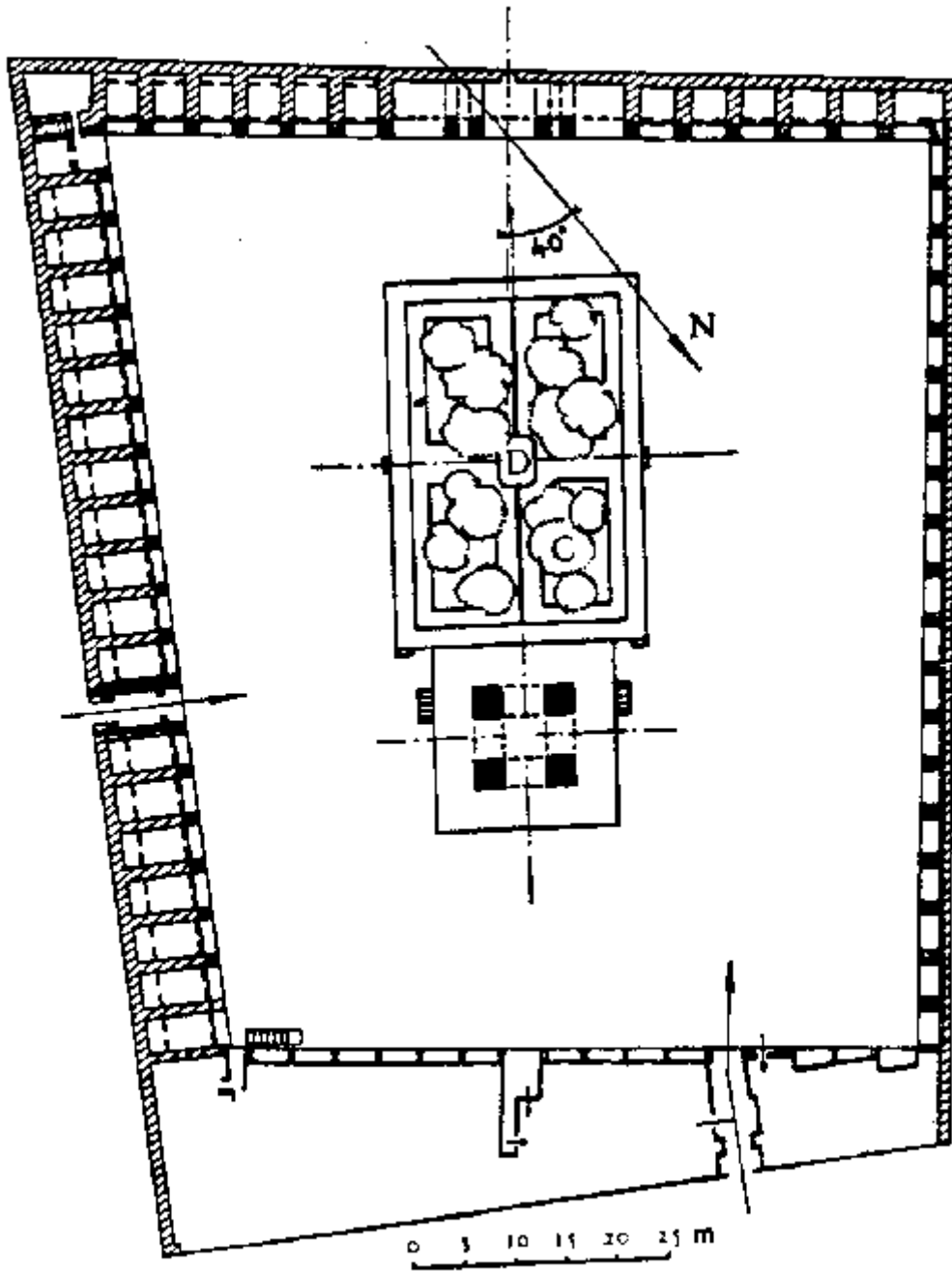


تصویر ۱۱- قزوین، مدرسه حیدریه، قرن ۱۲م.

تصویر ۱۲- اردستان، مسجد جمعه، قرن ۱۲م.



تصویر ۱۳ - گلپایگان، مسجد جمعه، قرن ۱۲ م.



تصویر ۱۴- یزد، مسجد مصلاى عتیق، نیمه اول قرن ۱۴ م.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books>